

"Defensive Jihad and Collective Security in the Qur'an: A Comparative Study of Exegetical Traditions (Riwayat) from Sunni and Shi'a Sources under Qital Verses (Al-Baqarah: 190-193)"

Mohammad mahdi kariminiya

Assistant Professor and Faculty Member at the University of Qur'anic Sciences and Education; Corresponding Author;
kariminiya2003@yahoo.com ;kariminia@quran.ac.ir.

Abstract

Following the end of war and the establishment of peace, the question of how to treat the former enemy and how to prevent the recurrence of hostilities has always been a subject of debate. This study, by extracting a framework grounded in justice and wisdom from Islamic sources, addresses the following questions: What is the proper approach toward the enemy after the elimination of fitnah (sedition/turmoil)? And who qualifies as the "wrongdoers" (zālimūn) against whom the use of force is permitted? The primary objectives of this article are to extract the concept of "aggression" (ʿudwān) in the post-peace period, to define the instances of "wrongdoers," and to propose an operational framework for ensuring collective security based on Qur'anic teachings and prophetic traditions. The research methodology is descriptive-analytical, drawing upon inference from the Qur'an and the Prophetic Sunnah, employing the methods of tafsīr al-Qur'ān bi al-Qur'ān (Qur'anic interpretation by the Qur'an), narrative-based exegesis, and linguistic analysis of key terms such as fitnah, dīn, intihā' (cessation), and ʿudwān. The findings indicate that the logic of military engagement in Islam continues only until the removal of sedition and the establishment of security; however, once the enemy surrenders and the threat comes to an end, any aggressive action is prohibited and constitutes an act of transgression (ʿudwān). Decisive action is exclusively reserved for those who persist in oppression, breach of covenants, and the violation of security. The conclusion is that Islam provides an ethical framework for post-peace management, built upon justice, firmness against aggressors, and abstention from aggression once peace is established.

Keyword: Defensive Jihad, Collective Security, Verses of Fighting (Āyāt al-Qitāl), Prohibition of Aggression in War, Ethics of War in Islam.

الجهاد الدفاعي والأمن الجماعي في القرآن الكريم؛ دراسة مقارنة في الروايات التفسيرية للفريقين (السنة والشيعه) تحت آيات القتال (البقرة: ١٩٠-١٩٣)

محمد مهدي كريمي نيا

أستاذ مساعد وعضو هيئة التدريس في جامعة علوم القرآن والمعارف؛ المؤلف المسؤول،

kariminia@quran.ac.irkariminia2003@yahoo.com

الملخص

بعد انتهاء الحرب وتحقيق الهدوء، ظلّت مسألة كيفية التعامل مع العدو السابق ومنع تجدد النزاعات محلّ نقاش دائم. يستخلص هذا البحث إطاراً قائماً على العدل والحكمة من المصادر الإسلامية، ليُجيب عن سؤالين: ما هو النهج الصحيح تجاه العدو بعد زوال الفتنة؟ ومن هم مصاديق «الظالمين» الذين يجوز قتالهم؟ ويهدف المقال إلى استخراج مفهوم «العدوان» في مرحلة ما بعد السلام، وتحديد مصاديق «الظالمين»، وتقديم إطار عملي لضمان الأمن الجماعي وفقاً للتعاليم القرآنية والروائية. تعتمد منهجية البحث على المنهج الوصفي-التحليلي، مع الاستنباط من القرآن والسنة النبوية، باستخدام تفسير القرآن بالقرآن، والتفسير الروائي، والتحليل اللغوي لمفاهيم أساسية مثل: «الفتنة»، «الدين»، «الانتهاء»، و«العدوان». تشير النتائج إلى أن منطق المواجهة العسكرية في الإسلام يستمرّ حتى زوال الفتنة وتحقيق الأمن؛ لكن بمجرد استسلام العدو وانتهاء التهديد، يُحرّم أي إجراء عدواني، ويُعتبر من «العدوان». ولا يقتصر الردع الحازم إلا على من يصّر على الظلم، ونقض العهود، وانتهاك الأمن. وخلاصة القول إن الإسلام يقدّم إطاراً أخلاقياً لإدارة مرحلة ما بعد السلام، يقوم على العدل، والحزم تجاه المعتدين، والامتناع عن العدوان بعد استتباب الأمن.

الكلمات المفتاحية:

الجهاد الدفاعي، الأمن الجماعي، آيات القتال، النهي عن العدوان في الحرب، أخلاقيات الحرب في الإسلام.

جهاد دفاعی و امنیت جمعی در قرآن؛ مطالعه تطبیقی روایات تفسیری فریقین ذیل آیات قتال؛ بقره: ۱۹۰-۱۹۳

محمد مهدی کریمی نیا

استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، نویسنده مسؤول

kariminia@quran.ac.ir kariminiya2003@yahoo.com

چکیده

پس از پایان جنگ و برقراری آرامش، چگونگی رفتار با دشمن پیشین و جلوگیری از بروز دوباره درگیری‌ها همواره محل بحث بوده است. این پژوهش با استخراج چارچوبی مبتنی بر عدل و حکمت از منابع اسلامی، به این پرسش پاسخ می‌دهد که رویکرد صحیح در قبال دشمن پس از رفع فتنه چیست و چه کسانی مصداق «ظالمین» هستند که برخورد با آنان مجاز است. هدف اصلی مقاله، استخراج مفهوم «عدوان» در دوران پس از صلح، تعریف مصادیق «ظالمین» و ارائه چارچوبی عملیاتی برای تضمین امنیت جمعی بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی است. روش پژوهش، تحلیلی-توصیفی و مبتنی بر استنباط از قرآن و سنت نبوی با استفاده از تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر روایی و تحلیل لغوی واژگان کلیدی همچون «فتنه»، «دین»، «انتهاء» و «عدوان» است. یافته‌ها نشان می‌دهد که منطق برخورد نظامی در اسلام تا زمان رفع فتنه و استقرار امنیت ادامه می‌یابد؛ اما به محض تسلیم دشمن و پایان تهدید، هرگونه اقدام تجاوزگرانه ممنوع و مصداق «عدوان» است. برخورد قاطع تنها منحصر به کسانی است که بر ظلم، عهدشکنی و نقض امنیت اصرار می‌ورزند. نتیجه آنکه اسلام چارچوبی اخلاقی برای مدیریت پس از صلح ارائه می‌دهد که بر پایه عدل، قاطعیت در برابر متجاوزان و پرهیز از تجاوز پس از استقرار آرامش بنا شده است. واژگان کلیدی: جهاد دفاعی، امنیت جمعی، آیات قتال، منع اعتداء در جنگ، اخلاق جنگ در اسلام.

مقدمه

آیات مربوط به جهاد و قتال از جمله مباحث مهم و در عین حال پرچالش در مطالعات قرآنی به شمار می‌آیند؛ آیاتی که هم در حوزه تفسیر قرآن و هم در عرصه فقه، کلام و اندیشه سیاسی اسلام نقش بنیادین داشته‌اند. در میان این آیات، مجموعه آیات ۱۹۰ تا ۱۹۳ سوره بقره از نخستین آیاتی هستند که به طور صریح به مسئله قتال در جامعه اسلامی پرداخته‌اند. این آیات ضمن صدور اجازه قتال برای مسلمانان، قیود و ضوابطی را نیز برای آن بیان می‌کنند؛ از جمله محدود شدن قتال به مقابله با مهاجمان، نهی از تعدی و تجاوز، توجه به حرمت مسجدالحرام، و تأکید بر پایان درگیری در صورت پایان یافتن دشمنی. از همین رو، این آیات در ادبیات تفسیری و فقهی مسلمانان به عنوان یکی از مهم‌ترین مستندات قرآنی در تبیین ماهیت دفاعی جهاد و نقش آن در حفظ امنیت جامعه اسلامی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

با این حال، فهم دقیق این آیات تنها در چارچوب تحلیل الفاظ قرآنی حاصل نمی‌شود، بلکه روایات تفسیری نقل شده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام و نیز صحابه و تابعین نقش مهمی در تبیین ابعاد معنایی و مقاصد این آیات داشته‌اند. در میراث تفسیری مسلمانان، مجموعه‌ای از روایات در ذیل این آیات نقل شده که هر یک می‌تواند در روشن ساختن مفاهیمی همچون حدود مشروعیت قتال، مفهوم فتنه، حرمت قتال در مسجدالحرام و شرایط پایان جنگ نقش آفرین باشد. از این رو، بررسی تطبیقی این روایات در منابع شیعه و اهل سنت



می‌تواند به فهم دقیق‌تر مراد قرآن و نیز به تبیین دیدگاه اسلام درباره نسبت میان جهاد دفاعی و امنیت جمعی کمک کند.

براین اساس، مسئله اصلی این پژوهش آن است که روایات تفسیری شیعه و اهل سنت ذیل آیات ۱۹۰ تا ۱۹۳ سوره بقره چه برداشتی از ماهیت قتال در اسلام ارائه می‌کنند و این روایات تا چه اندازه بر جنبه دفاعی جهاد و نقش آن در تأمین امنیت جمعی جامعه اسلامی تأکید دارند. به بیان دیگر، پرسش محوری مقاله آن است که در پرتو روایات تفسیری فریقین، این آیات چه تصویری از مشروعیت قتال، حدود آن و هدف نهایی آن در نظام اجتماعی اسلام ترسیم می‌کنند.

در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی درباره جهاد در قرآن، آیات قتال و نیز تحلیل‌های فقهی و تفسیری مربوط به آن انجام شده است. برخی از این پژوهش‌ها به بررسی مفهوم جهاد در قرآن پرداخته‌اند و برخی دیگر به تحلیل تاریخی یا فقهی آیات قتال توجه داشته‌اند. همچنین در برخی مطالعات، روایات تفسیری مربوط به این آیات مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، بخش قابل توجهی از این آثار یا به بررسی دیدگاه یک مذهب بسنده کرده‌اند، یا رویکرد تطبیقی میان روایات تفسیری شیعه و اهل سنت را به صورت متمرکز دنبال نکرده‌اند. از این رو، مطالعه‌ای که به طور خاص به تحلیل تطبیقی روایات تفسیری فریقین ذیل آیات ۱۹۰ تا ۱۹۳ سوره بقره بپردازد و نسبت آن را با مفهوم جهاد دفاعی و امنیت جمعی تبیین کند، همچنان می‌تواند خلأیی در ادبیات پژوهشی این حوزه را پوشش دهد.

هدف این مقاله آن است که با بررسی تطبیقی روایات تفسیری نقل شده در منابع معتبر شیعه و اهل سنت، دلالت‌های این آیات را در زمینه جهاد دفاعی و کارکرد آن در حفظ امنیت جمعی جامعه اسلامی روشن سازد. روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی است؛ بدین معنا که ابتدا روایات تفسیری مرتبط با آیات مورد نظر از منابع فریقین گردآوری شده، سپس با تحلیل محتوایی و مقایسه میان آن‌ها، نقاط اشتراک و افتراق دیدگاه‌ها تبیین می‌شود. اهمیت این پژوهش از آن جهت است که آیات قتال همواره در کانون مباحث تفسیری، فقهی و حتی گفت‌وگوهای معاصر درباره نسبت اسلام با مسئله جنگ و صلح قرار داشته‌اند. بررسی دقیق روایات تفسیری فریقین می‌تواند نشان دهد که در سنت تفسیری اسلامی، این آیات بیش از آنکه بیانگر رویکردی تهاجمی باشند، در چارچوب دفاع از جامعه اسلامی و رفع فتنه و ناامنی تفسیر شده‌اند. از این رو، چنین پژوهشی می‌تواند در تبیین نگاه متوازن قرآن به مسئله قتال و نیز در روشن ساختن مبانی قرآنی امنیت جمعی در اندیشه اسلامی نقش مهمی ایفا کند.

الف. جایگاه‌شناسی قتال

یکی از واژگان کلیدی در آیات مورد بحث، واژه «قتال» است که در آیه ۱۹۰ سوره بقره به صورت امر الهی آمده است: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰).



۱. تعریف لغوی قتال

واژه «قتال» از ریشه «ق-ت-ل» گرفته شده است. اصل این ریشه در زبان عربی به معنای از بین بردن جان و کشتن است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵/۵۶). با این حال، هنگامی که این ریشه در قالب «باب مفاعله» (قاتل-یقاتل) به کار می‌رود، دلالت بر کنش متقابل و درگیری دو سویه دارد. از همین رو «قتال» به معنای درگیری و جنگ میان دو طرف است، نه صرفاً کشتن یک جانبه (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۵۴۷). راغب اصفهانی نیز معتقد است که قتال از قتل گسترده‌تر است، زیرا بر رویارویی و مقابله دلالت دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۶۷).

۲. تعریف اصطلاحی قتال

در ادبیات قرآنی و روایی، «قتال» اصطلاحی خاص تراز «جهاد» به شمار می‌آید. «جهاد» مفهومی عام است که هرگونه تلاش و مجاهدت در راه خدا را در بر می‌گیرد و در منابع اسلامی به گونه‌های مختلفی مانند جهاد با نفس (جهاد اکبر)، جهاد فرهنگی و تبلیغی، و جهاد نظامی تقسیم شده است (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۲/۶۱). در مقابل، «قتال» به طور خاص به مبارزه مسلحانه و درگیری نظامی با دشمن اشاره دارد. از این رو می‌توان گفت هرقتال در چارچوب جهاد قرار می‌گیرد، اما هرجهادی لزوماً به معنای قتال نیست.

این تمایز در کاربردهای قرآنی نیز قابل مشاهده است. در آیه مورد بحث، قرآن کریم به جای واژه «جاهدوا» از تعبیر «قاتلوا» استفاده کرده است: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفَاتِلُونَكُمْ». مفسران این نکته را ناظر به ماهیت خاص حکم دانسته‌اند؛

زیرا آیه در مقام بیان حکم جنگ و درگیری مسلحانه است. در عین حال، این قتال با دو قید مهم همراه شده است: نخست، قید «فی سبیل الله» که جهت الهی و مشروعیت آن را مشخص می‌کند؛ و دوم، قید «الذین یقاتلونکم» که نشان می‌دهد این قتال در برابر کسانی است که آغازگر جنگ هستند.

ب. جایگاه‌شناسی «اعتداء»

یکی از مفاهیم بنیادین در آیات قتال، واژه «اعتداء» است که در آیه ۱۹۰ سوره بقره به عنوان قیدی مهم در مشروعیت قتال مطرح شده است: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره: ۱۹۰).

۱. معنای لغوی اعتداء

واژه «اعتداء» از ریشه «ع-د-و» گرفته شده است. اصل این ریشه در زبان عربی به معنای گذشتن از حد و مرز و تجاوز از حدود مقرر است. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۴۹/۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷۴/۱۵). راغب اصفهانی نیز می‌نویسد: عدوان آن است که انسان از حدی که باید بدان بسنده کند فراتر رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۵۳). بنابراین، در کاربرد لغوی، «اعتداء» مفهومی عام دارد و هرگونه تجاوز از حدود عدالت و انصاف را دربرمی‌گیرد؛ خواه در روابط فردی باشد یا در عرصه اجتماعی و حتی در میدان جنگ.



۲. معنای اصطلاحی اعتداء در آیات قتال

در آیه ۱۹۰ سوره بقره، اعتداء در چارچوب مسئله قتال مطرح شده است. در این آیه، پس از آنکه قرآن کریم به مسلمانان اجازه می‌دهد با کسانی که با آنان می‌جنگند مقابله کنند، بلافاصله آنان را از تجاوز نهی می‌کند: «وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ». مفسران این نهی را بیانگر اصل مهمی در اخلاق جنگ اسلامی دانسته‌اند؛ اصلی که نشان می‌دهد حتی در شرایط جنگ نیز مسلمانان موظف‌اند حدود الهی را رعایت کنند. از نظر طبری، مقصود از نهی از اعتداء آن است که مسلمانان از حدودی که خداوند در جنگ تعیین کرده فراتر نروند و با کسانی که اهل جنگ نیستند نجنگند (طبری، ۱۴۲۰: ۵۶۶/۳). از نظر قرطبی نیز اعتداء شامل کشتن کسانی می‌شود که در جنگ مشارکت ندارند، مانند زنان، کودکان و راهبان (قرطبی، ۱۳۸۷: ۳۵۰/۲). از نظر مفسران شیعی، مثل علامه طباطبایی، نهی از اعتداء به این معناست که مسلمانان در جنگ تنها با جنگجویان دشمن مقابله کنند و از تجاوز به غیرجنگجویان یا ارتکاب اعمالی که با عدالت و انسانیت ناسازگار است پرهیز نمایند (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۶۳/۲).

ج. جایگاه‌شناسی «فتنه»

یکی از واژگان کلیدی در آیات قتال سوره بقره، واژه «فتنه» است که در دو آیه مهم از این مجموعه آیات به کار رفته است: «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره: ۱۹۱) و «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» (بقره: ۱۹۳).

۱. معنای لغوی فتنه

واژه «فتنه» از ریشه «ف-ت-ن» گرفته شده است. لغویان عرب اصل این ریشه را به معنای آزمایش و امتحان دانسته‌اند. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴/۴۷۲). در توضیح منشأ این معنا گفته شده است که عرب‌ها برای خالص‌سازی طلا، آن را در آتش قرار می‌دادند تا ناخالصی‌های آن جدا شود؛ این عمل را «فتن الذهب بالنار» می‌نامیدند. از همین رو، واژه «فتنه» در اصل به معنای قرار دادن چیزی در معرض آزمایش و امتحان برای آشکار شدن حقیقت آن بوده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۲۳). با گذشت زمان، این واژه در کاربردهای گسترده‌تری به کار رفت و معانی دیگری همچون آزمایش سخت، عذاب، آشوب، گمراهی و فریب را نیز دربر گرفت. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۳/۳۱۷). براین اساس، «فتنه» در کاربرد لغوی مفهومی گسترده دارد که محور مشترک آن «قرار گرفتن در شرایط آزمون سخت و بحران‌آفرین» است؛ شرایطی که ممکن است به انحراف، فشار یا آشوب منجر شود.

۲. معنای اصطلاحی فتنه در آیات قتال

در آیات مورد بحث از سوره بقره، «فتنه» معنایی خاص‌تر پیدا می‌کند و در سیاق تاریخی نزاع میان مسلمانان و مشرکان مکه به کار رفته است. مفسران قرآن با توجه به شأن نزول این آیات، فتنه را به اقداماتی تفسیر کرده‌اند که مشرکان برای بازداشتن مسلمانان از ایمان و بازگرداندن آنان به کفر انجام می‌دادند. (طبری، ۱۴۲۰: ۳/۵۷۱). به تعبیر دیگر، مشرکان نه تنها به دشمنی نظامی با مسلمانان

می‌پرداختند، بلکه آنان را تحت فشار و شکنجه قرار می‌دادند تا از ایمان خود دست بردارند.

د. جایگاه‌شناسی «امنیت اجتماعی (امنیت جمعی)»

۱. معنای لغوی امنیت

واژه «امنیت» از ریشه «أ-م-ن» گرفته شده است. لغویان عرب اصل این ریشه را به معنای آرامش و رفع خوف دانسته‌اند. این ریشه بر دو معنای نزدیک به هم دلالت دارد: یکی امانت در برابر خیانت، و دیگری آرامش و از میان رفتن ترس (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱/۱۳۳). از نظر راغب اصفهانی نیز، امنیت به معنای آرامش نفس و از میان رفتن خوف است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۹۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۱/۱۳). بر این اساس، در معنای لغوی، امنیت حالتی است که در آن انسان از تهدید و اضطراب رهایی می‌یابد و در آرامش و اطمینان زندگی می‌کند. این مفهوم می‌تواند ابعاد گوناگونی داشته باشد؛ از جمله امنیت جانی، مالی، روانی و اجتماعی.

۲. معنای اصطلاحی امنیت اجتماعی یا امنیت جمعی

در علوم سیاسی و حقوق بین‌الملل معاصر، اصطلاح «امنیت جمعی» (Collective Security) به نظامی از روابط و سازوکارها گفته می‌شود که هدف آن حفظ صلح، جلوگیری از تجاوز و تأمین امنیت برای همه اعضای یک جامعه یا نظام بین‌المللی است. در این رویکرد، امنیت یک امر فردی یا محدود به یک گروه

خاص نیست، بلکه امری عمومی و مشترک تلقی می‌شود که باید برای همه افراد جامعه تأمین گردد. اگرچه اصطلاح «امنیت جمعی» به این صورت در منابع کلاسیک اسلامی به کار نرفته است، اما محتوای آن در آموزه‌های اسلامی به خوبی قابل مشاهده است. در اندیشه اسلامی، یکی از اهداف مهم شریعت، حفظ نظام اجتماعی و صیانت از مصالح اساسی جامعه انسانی است. فقیهان مسلمان از دیرباز در قالب نظریه «مقاصد الشریعة» به این مسئله اشاره کرده‌اند و حفظ پنج امر اساسی: دین، جان، عقل، نسل و مال را از مهم‌ترین اهداف شریعت دانسته‌اند (شاطبی، ۱۴۱۷: ۸/۲). تحقق این اهداف در واقع به معنای تأمین نوعی امنیت عمومی در جامعه است.

۳. امنیت اجتماعی در پرتو آیات قتال

با توجه به این مبانی، می‌توان گفت که آیات قتال در سوره بقره نیز در راستای تأمین چنین امنیتی نازل شده‌اند. قرآن کریم در این آیات، از یک سو مسلمانان را به مقابله با تجاوز و فتنه فرا می‌خواند و از سوی دیگر، هدف نهایی این قتال را پایان یافتن فتنه و تحقق شرایطی معرفی می‌کند که در آن «دین برای خدا باشد»: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ» (بقره: ۱۹۳).

مفسران قرآن این عبارت را به معنای فراهم شدن شرایطی دانسته‌اند که در آن مردم بتوانند بدون اجبار و فشار، دین حق را بپذیرند و یا باورهای دینی خود را حفظ کنند. طبری در تفسیر این آیه می‌نویسد: مقصود آن است که با مشرکان

بجنگید تا شرک و آزار آنان پایان یابد و مردم از فشار آنان در امر دین رهایی یابند (طبری، ۱۴۲۰: ۳/۵۷۵).

در تفاسیر شیعی نیز چنین برداشتی دیده می‌شود. طبرسی در «مجمع البیان» تصریح می‌کند که هدف آیه، از میان برداشتن فتنه و فراهم شدن شرایطی است که در آن راه ایمان برای مردم باز باشد و کسی به سبب دین خود مورد آزار قرار نگیرد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲/۴۷۰). علامه طباطبائی نیز بیان می‌کند که مقصود از این آیه برقراری نظم اجتماعی است که در آن مانعی برای هدایت و گرایش به دین الهی وجود نداشته باشد (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۲/۶۵).

هـ. بررسی تطبیقی روایات اسباب نزول آیات قتال (بقره: ۱۹۰-۱۹۳)

یکی از مهم‌ترین گام‌ها در فهم دقیق آیات قتال در قرآن کریم، توجه به روایات «اسباب نزول» است؛ زیرا این روایات بستر تاریخی و اجتماعی نزول آیات را روشن می‌سازند و از برداشت‌های نادرست یا تعمیم‌های نابه‌جا جلوگیری می‌کنند. آیات ۱۹۰ تا ۱۹۳ سوره بقره که از مهم‌ترین آیات مرتبط با قتال در قرآن به‌شمار می‌آیند، در شرایط خاص تاریخی نازل شده‌اند و بررسی روایات تفسیری فریقین نشان می‌دهد که زمینه اصلی نزول آن‌ها مسئله امنیت مسلمانان در آستانه ورود به مکه و احتمال نقض پیمان از سوی قریش بوده است. در واقع، این آیات در فضایی نازل شد که مسلمانان با تهدیدی واقعی نسبت به امنیت جانی و دینی خود مواجه بودند.

در منابع تفسیری اهل سنت، گزارش‌های متعددی درباره سبب نزول این آیات نقل شده است که غالباً به ماجرای صلح حدیبیه و سپس «عُمَرَةُ الْقُضَاء»

بازمی‌گردد. محمد بن جریر طبری گزارش می‌کند که مسلمانان پس از پیمان حدیبیه در سال ششم هجری، برای انجام عمره در سال بعد آماده می‌شدند، اما بیم آن داشتند که قریش پیمان را نقض کرده و در مکه یا در ماه‌های حرام به آنان حمله کند. در چنین فضایی این آیات نازل شد و به مسلمانان اجازه داد که در صورت تعرض دشمن، از خود دفاع کنند، اما در عین حال از هرگونه تجاوز و آغازگری در جنگ نهی شدند (طبری، ۱۴۲۰: ۵۶۲/۳). واحدی نیشابوری نیز می‌نویسد که هنگامی که مسلمانان پس از صلح حدیبیه قصد داشتند برای انجام عمره وارد مکه شوند، این نگرانی وجود داشت که مشرکان مکه با نقض پیمان، آنان را مورد حمله قرار دهند؛ ازاین‌رو، آیه «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا» نازل شد تا چارچوب رفتار مسلمانان در برابر چنین تهدیدی را مشخص سازد (واحدی، ۱۴۱۱: ۵۲). ابن کثیر تصریح می‌کند که این آیات نخستین دستورهای مربوط به قتال در اسلام را در قالب دفاع مشروع بیان می‌کنند؛ بدین معنا که مسلمانان مأمور شدند تنها با کسانی بجنگند که با آنان می‌جنگند و از هرگونه تجاوز و تعدی پرهیزند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۵۰۳/۱).

در منابع تفسیری شیعه نیز روایات مشابهی نقل شده است. طبرسی می‌نویسد: هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ با مسلمانان برای انجام عمره وارد مکه شدند، این احتمال وجود داشت که مشرکان پیمان را نقض کنند؛ ازاین‌رو، این آیات نازل شد تا به مسلمانان اجازه دفاع در برابر تعرض احتمالی را بدهد، در حالی که آنان از آغازگری در جنگ منع شده بودند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۶۷/۲). برخی روایات تفسیری شیعه نیز همین معنا را تأیید می‌کنند. در روایتی که



عیاشی در تفسیر خود نقل کرده است، بیان شده که آیه «وَلَا تَعْتَدُوا» ناظر به آن است که مسلمانان نباید جنگ را آغاز کنند، بلکه تنها در صورت تجاوز دشمن مجاز به قتال هستند (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۱۰۸).

مقایسه این روایات در منابع شیعه و اهل سنت نشان می‌دهد که میان مفسران فریقین در اصل زمینه تاریخی نزول این آیات اختلاف جدی وجود ندارد. هردو گروه بر این نکته تأکید دارند که این آیات در فضای نگرانی مسلمانان از نقض پیمان حدیبیه و احتمال حمله مشرکان مکه نازل شده‌اند. از این رو، نخستین دستور قرآن درباره قتال با قید مهم «الَّذِينَ يَقَاتِلُوكُمْ» همراه شده است؛ قیدی که به روشنی بر ماهیت دفاعی این حکم دلالت دارد.

از منظر تحلیلی، این روایات نشان می‌دهد که تشریع قتال در این آیات نه با هدف گسترش قلمرو سیاسی یا کشورگشایی، بلکه در پاسخ به تهدیدی واقعی علیه امنیت جامعه مسلمانان صورت گرفته است. مسلمانان در آن زمان در وضعیتی قرار داشتند که هم از نظر جانی و هم از نظر دینی در معرض خطر بودند؛ زیرا قریش در سال‌های پیش از آن بارها آنان را مورد آزار و تعقیب قرار داده و حتی از ورود آنان به مکه جلوگیری کرده بود. در چنین شرایطی، قرآن کریم ضمن تأیید حق دفاع از خود، چارچوبی اخلاقی و حقوقی برای این دفاع ترسیم کرد؛ چارچوبی که بر اصل «عدم اعتداء» و محدود بودن جنگ به مقابله با تجاوز استوار است.

از این رو، بررسی تطبیقی روایات اسباب نزول در منابع تفسیری فریقین نشان می‌دهد که آیات ۱۹۰ تا ۱۹۳ سوره بقره در اصل برای تنظیم رفتار دفاعی مسلمانان در برابر تهدیدهای احتمالی نازل شده‌اند. این آیات در حقیقت نوعی تضمین

قرآنی برای «امنیت جمعی» جامعه نوپای اسلامی به شمار می‌آیند؛ امنیتی که در آن مسلمانان اجازه داشتند در برابر تجاوز مقاومت کنند، اما در عین حال موظف بودند از هرگونه تجاوز و خشونت بی‌ضابطه پرهیز نمایند.

نتیجه‌گیری

مقاله حاضر، به تبیین ابعاد کلیدی صلح و امنیت پایدار پرداخت. در ابتدا، بر ضرورت رفع فتنه و برقراری نظامی توحیدی به عنوان پیش شرط اصلی صلح تأکید شد. سپس، با استناد به آیه ۱۹۳ سوره بقره، مفهوم «عدوان» پس از استقرار صلح مورد کنکاش قرار گرفت و مشخص گردید که هرگونه اقدام نظامی علیه دشمن تسلیم شده، تجاوز محسوب می‌شود.

نقطه قوت تحلیل، تحدید دایره برخورد صرف به «ظالمین» بود؛ کسانی که پس از صلح، همچنان بر نقض امنیت جمعی و عهدشکنی اصرار می‌ورزند. این رویکرد، ضمن تأکید بر قاطعیت در برابر تهدیدات، از تبدیل صلح به ابزاری برای انتقام یا توسعه طلبی جلوگیری می‌کند.

در نهایت، با تطبیق روایات فریقین در تعریف مصداقی «ظالمین»، چارچوبی جامع و مستحکم برای مدیریت روابط پس از منازعه ارائه گردید. این نتیجه‌گیری نشان می‌دهد که اسلام، دین عدالت و رحمت، راهکارهایی اصولی برای حفظ صلح، مقابله با تجاوز و برقراری امنیتی پایدار ارائه می‌دهد که متکی بر حکمت، قاطعیت و رعایت حقوق است. این اصول، راهنمایی ارزشمند برای جوامع در مسیر دستیابی به آرامش و ثبات محسوب می‌شود.

منابع و مأخذ

١. ابن فارس، احمد بن فارس (١٤٠٤ق). مقاييس اللغة. تحقيق: عبدالسلام محمد هارون. قم: مكتب الإعلام الإسلامى.
٢. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (١٤١٩ق). تفسير القرآن العظيم. بيروت: دارالكتب العلمية.
٣. ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤١٤ق). لسان العرب. بيروت: دار صادر.
٤. راغب اصفهاني، حسين بن محمد (١٤١٢ق). مفردات ألفاظ القرآن. تحقيق: صفوان عدنان داودى. دمشق: دارالقلم.
٥. شاطبى، ابواسحاق ابراهيم بن موسى (١٤١٧ق). الموافقات فى أصول الشريعة. بيروت: دار المعرفة.
٦. طبرسى، فضل بن حسن (١٣٧٢ش). مجمع البيان فى تفسير القرآن. تهران: ناصر خسرو.
٧. طبرى، محمد بن جرير (١٤٢٥ق). جامع البيان عن تأويل آى القرآن. تحقيق: احمد محمد شاکر. بيروت: مؤسسة الرسالة.
٨. طباطبائى، سيد محمد حسين (١٤١٧ق). الميزان فى تفسير القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامى.
٩. عياشى، محمد بن مسعود (١٣٨٥ق). تفسير العياشى. تحقيق: هاشم رسولى محلاتى. تهران: المطبعة العلمية.
١٠. قرطبى، محمد بن احمد (١٣٨٧ق). الجامع لأحكام القرآن. قاهره:





دارالکتب المصرية.

۱۱. واحدی نیشابوری، علی بن احمد (۱۴۱۱ق). اسباب النزول. بیروت:

دارالکتب العلمیة.